



# تولد مسیح (علیه السلام) در قرآن و انجیل

دکتر اعظم پویا - پژوهشگر

هدف از نگارش این مقاله، مقایسه میان نحوه پرداختن قرآن و انجیل به تولد حضرت مسیح (علیه السلام) است. تا از این رهگذر وجوه تشابه و تفاوت دو کتاب مقدس آسمانی را در این باب دریابیم:

انجیل لوقا قبل از اشاره به تولد حضرت عیسی (علیه السلام) به موضوع تولد یحیی (علیه السلام) پرداخته است و این شاید به دلیل شباهتی باشد که میان تولد این دو پیامبر وجود دارد. قرآن و انجیل هر دو این تشابه را آورده‌اند.

ما در این مقاله به تشابهات و اختلافات این دو کتاب مقدس اشاره می‌کنیم:

۱- در قرآن جریان فرزندان شدن زکریا با وجود کبر سن او و نازا بودن همسرش - قبل از بشارت دادن مریم به تولد عیسی - چنین بیان می‌شود:

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ. <sup>۱</sup> قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَ

قَدْ بَلَغَنِي الْكِبِيرُ وَ امْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ. <sup>۲</sup>

پس ملائکه زکریا را هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود، ندا دادند: همانا خدا تو را به ولادت یحیی بشارت می‌دهد؛ در حالی که او نبوت عیسی را تصدیق می‌کند و پیشوای مردم و پارسا و پیامبری از شایستگان است.

زکریا گفت: پروردگارا! چگونه مرا پسری تواند شد در حالی که مرا سن پیری فرا رسیده و همسر من نیز نازاست. گفت: چنین است کار خدا، هر چه بخواهد می‌کند.

و زمانی که ملائکه بشارت مسیح (علیه السلام) را به مریم می‌دهند، او با تعجب می‌گوید:

«قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَ لَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.» <sup>۳</sup>

مریم گفت: پروردگارا! چگونه مرا فرزندی تواند بود با اینکه دست بشری به

من نرسیده است؟! گفت: چنین است کار خدا، بی‌نیاز از هر گونه سببی است. هر چه بخواهد می‌آفریند و چون مشیتش به خلقت چیزی تعلق گیرد به محض گفتن «موجود باش» همان دم موجود شود.

در انجیل هم وقتی روح القدس بر مریم ظاهر می‌شود و مژده فرزندان شدن را به او می‌دهد، او تعجب می‌کند و می‌پرسد: چگونه با وجود اینکه من باکره هستم، صاحب فرزند می‌شوم:

«جبرئیل به مریم ظاهر شد و گفت: سلام بر تو ای دختری که مورد لطف پروردگار قرار گرفته‌ای، خداوند با تو است. فرشته به او گفت: نترس، چون خدا می‌خواهد به تو برکت دهد. بزودی آبتن شده، صاحب پسری می‌شوی و اسمش را عیسی می‌گذاری. او خیلی بزرگ خواهد بود و فرزند خدا نامیده می‌شود. خداوند

(۱) آل عمران، آیه ۳۹ - ۴۰

(۲) همان، آیه ۳۶

(۳) همان، آیه ۴۳

تخت سلطنت جدش داود را به او وامی‌گذارد تا برای همیشه بر قوم اسرائیل سلطنت کند. دوره سلطنت او هرگز به سر نمی‌آید. مریم از فرشته پرسید: چطور ممکن است من بچه دار شوم؟! من هنوز شوهر نکرده‌ام.<sup>۱</sup>

البته مطابق با دیدگاه مسیحیان، مریم در آن زمان در عقد یوسف بود و لسی هنوز به ازدواج در نیامده بود.<sup>۲</sup>

«فرشته جواب داد روح القدس بر تو نازل می‌شود و قدرت خدا بر تو سایه افکن می‌گردد. از این جهت آن نوزاد کاملاً مقدس است و فرزند نامیده می‌شود.

شش ماه پیش خویشاوند تو الیزابت در سن پیری آبستن شد. بله همان کسی که همه می‌گفتند بچه دار نمی‌شود.»<sup>۳</sup>

از داستان باردار شدن همسر زکریا در انجیل و قرآن استفاده می‌شود که الیزابت همان همسر زکریاست.

۲- قرآن علت نداشتن فرزند را برای زکریا، پیری او و نازایی همسرش ذکر می‌کند. همین دلایل دقیقاً در انجیل «لوقا» هم آمده است:

«آنها فرزندی نداشتند، چون الیزابت بچه‌دار نمی‌شد و از این گذشته، هر دوی آنها خیلی پیر شده بودند.»<sup>۴</sup>

۳- قرآن بشارت فرزند به زکریا را نشانه اجابت دعای او می‌داند زیرا پیش از آن در آیه‌ای می‌خوانیم:

«هنا لک دعا زکریا ربّه قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ

الدُّعَاء»<sup>۵</sup>

بشارت ملائکه برای تولد یحیی عليه السلام در کتاب مقدس نیز آمده است:

«اما فرشته به او گفت: زکریا، نترس! چون من آمده‌ام به تو بگویم که خدا دعای تو را شنیده است و همسرت الیزابت برای تو پسری می‌زاید و تو اسمش را یحیی می‌گذاری.»<sup>۶</sup>

۴- نام این فرزند را خدا انتخاب می‌کند «یحیی»، «... إِنَّ اللَّهَ يَسْبُرُكْ بِيحْيَى...»<sup>۷</sup>، و در انجیل نیز آمده «تو اسمش را یحیی می‌گذاری» البته انجیل گویی خبر از نامگذاری زکریا می‌دهد ولی می‌توان همان انتخاب نام را نیز از آن استنباط کرد.

۵- یکی از موارد اختلاف قرآن و کتاب مقدس در این داستان، در زمینه سخن نگفتن حضرت زکریا پس از شنیدن بشارت فرزند است.

در قرآن آمده است که «زکریا» پس از شنیدن این بشارت از خدا درخواست آیتی کرد تا اطمینان یابد که این بشارت رحمانی بوده است نه القاءات شیطانی. البته در این باره میان مفسران اختلاف وجود دارد، بعضی معتقدند منظور از این «آیه» نشانه‌ای بود که بواسطه آن زکریا زمان وضع حمل زوجه خود را بداند.<sup>۸</sup> اما بعضی معتقدند که این نشانه‌ای بوده برای اطمینان او مبنی بر اینکه خطاب رحمانی است نه شیطانی.

علامه طباطبایی (ره) وجه دوم را می‌پذیرد و می‌گوید: علت این که عده‌ای از مفسران از پذیرش وجه دوم تحاشی

می‌کنند این است که آن را منافی با عصمت پیامبران می‌دانند و معتقدند که پیامبران بواسطه عصمتی که دارند باید فرق میان این دو خطاب را بفهمند؛ سپس در پاسخ به آنان می‌گوید: علت این که انبیا تفاوت میان این دو خطاب را می‌فهمند آن است که خدا این شناخت را بدیشان داده است؛ پس اشکالی پیش نمی‌آید که اولاً بگوییم زکریا عليه السلام درخواست همین شناخت را کرده است، و ثانیاً، نداشتن توانایی سخن گفتن تا سه روز نیز مؤید همین وجه بوده است زیرا شیطان در ناحیه نفوس پیامبران نمی‌تواند تصرف کند و همین آیه یعنی تکلم نکردن تا سه روز، به زکریا می‌فهماند که این تصرف چون در ناحیه نفوس است و انبیا دارای عصمت‌اند و بدور از تصرف شیطان، پس بشارت، بشارت رحمانی است.<sup>۹</sup>

(۱) انجیل لوقا، باب ۱، آیه ۲۸، ۳۰، ۳۴

(۲) رک: انجیل متا، باب ۱، آیه ۱۸

(۳) انجیل لوقا، باب ۱، آیه ۲۸، ۳۰، ۳۴

(۴) انجیل لوقا، باب ۱، آیه ۷

(۵) در آن هنگام که زکریا کرامت مریم را مشاهده کرد گفت: پروردگارا مرا به لطف خویش فرزندی پاک سرشت عطا فرما همانا نویی مستجاب کننده دعا. (سوره آل عمران، آیه ۳۸)

(۶) انجیل لوقا، باب ۱، آیه ۱۳

(۷) آل عمران، آیه ۳۹

(۸) محمد رشید - رضا: تفسیرالمنار، ج ۳،

ص ۲۲۹

(۹) الطباطبائی - محمد حسین: تفسیر المیزان،

ج ۳، صص ۱۷۹-۱۸۰

متن آیه چنین است: «قال رب اجعل لی آیه قال ءاتیک الّا تکلم الناس ثلاثة ایام الّا رمزاً و اذکر ربک کثیراً و سبح بالعشی و الابکار»<sup>۱</sup>

«زکریا گفت: پروردگارا! مرا نشانه‌ای مرحمت کن! گفت: نشانه تو آن است که تا سه روز با کسی سخن گفتن نتوانی و جز با رمز چیزی نگویی. پیوسته به یاد خدا باش و او را در صبح و شام تسبیح گوی!»

در مورد این مطلب که آیا این نشانه عدم توانایی زکریا بر سخن گفتن بود یا دستور به اجتناب از سخن گفتن، میان مفسران اختلاف نظر است؛ بعضی معتقدند این «لا تکلم» نهی تشریحی است و بعضی دیگر از جمله علامه طباطبایی (ره) این نظر را نمی‌پذیرند.<sup>۲</sup>

صاحب «المنار» هر دو وجه را ذکر می‌کند اما برای وجه اول مؤیدی می‌آورد و آن سخن خداوند «و اذکر ربک کثیراً و سبح بالعشی و الابکار» است، اما قول دوم را قول مشهور می‌داند.<sup>۳</sup>

انجیل، سخن نگفتن زکریا را عدم توانایی او بر سخن گفتن می‌داند؛ اما به عنوان عقاب نه یک آیت. در انجیل لوقا آمده است:

«آن وقت فرشته گفت: من جبرئیل هستم که در حضور خدا می‌ایستم. و اوست که مرا فرستاده تا این خبر خوش را به تو بدهم و حالا چون حرف مرا باور نکردی لال می‌شوی تا نتوانی حرف بزنی و این تا وقتی است که بچه به دنیا بیاید؛ چون آنچه گفتم در وقت مناسب واقع

می‌شود.»<sup>۴</sup>

صاحب «المنار» می‌گوید: «بعضی از مفسران اقوال باطلی در این مورد دارند؛ یکی از آنها این است که این سخن نگفتن، عقوبت خداست؛ زیرا بعد از آنکه ملائکه بشارت فرزند را به زکریا دادند، او برای این بشارت، نشانه طلب کرد.»<sup>۵</sup>

یکی از وجوه شباهت ولادت «یحیی» یا «عیسی» همان «آیت سخن نگفتن با مردم» است، در مورد «یحیی» سخن نگفتن زکریا و در مورد «عیسی» سخن نگفتن مریم. این وجه تشابه مریم با پیامبری چون زکریاست.

عیسی (ع) به مادرش می‌گوید: «فکلی و اشربی و قری عیناً فاما ترین من البشر احداً فقبولی ائی نذرت للرحمن صوماً فلن اکلّم الیوم انسیاً.»<sup>۶</sup>

«بخور و بنوش و چشم روشن دار! اگر از آدمیان کسی را دیدی بگو: من برای خدا روزه (کلام) نذر کرده‌ام و امروز با بشری سخن نگویم.»

مفسران در تفسیر این آیه دو قول دارند: عده‌ای بر این باورند که این، سخن عیسی (ع) خطاب به حضرت مریم است و عده‌ای هم معتقدند سخن روح القدس به مریم است؛ البته دومی با سیاق آیه و جمله «و قری عیناً» مناسب‌تر است.

جریان باردار شدن مریم به تفصیلی که در قرآن آمده در انجیل نیامده است.

و پدر مریم قبل از ولادت او از دنیا رفت. مادرش مریم را آورد تا به کاهنان مسجد که «زکریا» هم جزء آنان بود بسپارد. کاهنان راجع به کفالت «مریم» با یکدیگر نزاع و گفتگو کردند تا سرانجام بنا را بر قرعه نهادند و قرعه به نام زکریا افتاد. زکریا کفالت مریم را بر عهده گرفت و او هم به خدمت مسجد مشغول شد تا هنگامی که مریم به سن بلوغ رسید. آن زمان «زکریا» برای مریم حجابی برپا کرد تا «مریم» در میان آن مشغول عبادت خداوند شود.<sup>۷</sup>

«وَ اذکر فی الکتاب مریم إذ اتبذت من اهلها مکاناً شرقیاً فاتخذت من دونهم حجاباً فأرسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً»<sup>۸</sup>

«در این کتاب مریم را یاد کن! آن دم که در مکانی در طرف شرقی مسجد از کسان خود کناره گرفت. در مقابل آنان پرده‌ای آویخت؛ پس ما روح خود را نزد او فرستادیم که به صورت انسانی تمام عیار بر او مجسم گشت.»

(۱) آل عمران، آیه ۴۱

(۲) الطباطبائی - محمد حسین: همان منبع، ج ۳، ص ۱۸۰

(۳) محمد رشید - رضا: همان منبع، ص ۲۹۹

(۴) انجیل لوقا، باب ۱، آیه ۱۹-۲۰

(۵) محمد رشید - رضا: همان منبع

(۶) سوره مریم، آیه ۲۶

(۷) الطباطبائی - محمد حسین: همان منبع، ج ۱۴، ص ۳۵

(۸) سوره مریم، آیه ۱۶

بزند، ولی می‌خواست بی سر و صدا این کار را بکند تا آبروی مریم نرود. در همین افکار بود که در خواب فرشته‌ای را دید که به او می‌گفت: یوسف پسر داود! از ازدواج با مریم نگران مباش! آن بچه‌ای که در بطن اوست از روح پاک خداست. مریم پسری می‌زاید و تو اسم او را عیسی می‌گذاری، چون او قوم خود را از گناهانشان آزاد می‌کند.<sup>۴</sup>

البته قرآن این نکته را رد هم نکرده و به عبارت دیگر اصلاً به آن نپرداخته است؛ شاید به این دلیل که مسأله مهم، باکره بودن مریم است که هر دو کتاب بر آن صحّه نهاده‌اند.

\* \* \* \*

می‌بینیم که قرآن و انجیل نه تنها در مسائل عقیدتی، بلکه حتی در مسائل تاریخی تشابهات زیادی دارند. این تشابهات زمینه‌همنشینی میان ادیان را فراهم می‌کند و پیروان این دو دین را به سوی سرچشمه واحد ادیان رهنمون می‌سازد.

(۱) سوره آل عمران، آیه ۳۷

(۲) سوره مریم آیه ۲۲

(۳) همان، آیه ۲۹، ۳۱

(۴) انجیل مستی، باب ۱، آیه ۱۸، ۲۱

دهم آمده است که حضرت مریم، حضرت مسیح علیه السلام را بدون درد به دنیا آورد و این بصراحت مخالف قرآن است که می‌گوید: «فَاجَاءَهَا الْمَخَافِي الی جَذَع النَّخْلَةِ»

پس مریم فرزند خود را گرفته به سوی قومش روان شد و چون قومش وی را با آن حال دیدند، مشغول طعن و سرزنش او شدند و گفتند: ای مریم عجب کار منکر و شگفت آوری کردی، ای خواهر هارون ترا نه پدری ناصالح و نه مادری بدکاره بود. مریم در پاسخ آنان به طفل خود اشاره کرد.

«فَأَنْتَ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئاً فَرِيئاً. يَا أُخْتُ هَرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امِراً سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيّاً. فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ تُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيّاً»<sup>۳</sup>

در انجیل ماجرا به این شکل آمده است که مریم در عقد شخصی به نام یوسف است و قبل از ازدواج با او حامله می‌شود. اما در قرآن نامی و اشاره‌ای به همسر مریم نشده است. انجیل می‌گوید:

«مریم که در عقد یوسف بود قبل از ازدواج به وسیله روح پاک خدا آبتن شد. یوسف که سخت پای بند اصول اخلاقی بود، تصمیم گرفت نامزدی‌اش را به هم

جز «زکریا» کس دیگری داخل محراب نمی‌شد و هر گاه او وارد محراب می‌شد رزقی در محراب می‌دید، از مریم می‌پرسید: این روزی از کجاست؟ و او پاسخ می‌داد: از نزد خدایی است که بدون حساب به هر که خواهد، روزی بخشد.

«... کَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا الْمَحْرَابِ وَ جَدَّ عِنْدَهَا رِزْقاً قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»<sup>۱</sup>

آنگاه خداوند «روح» را به سوی مریم در حالی که در حجاب بود فرستاد. «روح» بصورت بشر کاملی برای «مریم» مجسم شد و به او گفت: من فرستاده پروردگار تو هستم و به او بشارت داد که بزودی از فرزندش معجزات باهره‌ای مشاهده خواهد کرد. مریم در مکانی دور خلوت گزید و چون او را درد زاییدن فراگرفت زیر شاخ درخت خرمایی رفت و از شدت حزن و اندوه با خود می‌گفت: کاش پیش از این مرده بودم و نامم از صفحه دلها فراموش شده بود:

«فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِسَهٍ مَكَاناً قَصِيّاً فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ الی جَذَع النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَ كُنْتُ نَسِياً مَنْسِياً»<sup>۲</sup>

در انجیل برنابا، فعل سوم، قسمت

